



بررسی کارنامه مرحوم قانع‌زاد

کارنامه علمی مرحوم محمدامین قانع‌زاد بررسی می‌شود. در این مراسم سیدمحمدرضا حسینی‌بهشتی، غلامرضا ذاکرصالحی، نعمت‌... فاضلی، مقصود فراسی‌خواه، محمدسالار کسرابی، مصطفی مهرآئین، آیتا... میرزایی، حسین میرزایی، سیدجواد میری و مالک شجاعی‌جشقانی حضور دارند و سخنرانی می‌کنند. این برنامه سه‌شنبه ۱۹ تیر از ساعت ۹ صبح در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار خواهد شد.



شایگان؛ یک پست‌مدرن خوشبین

رضا داوری‌اردکانی: شایگان خوشبینی داشت نه از نوع خوشبینی‌ای که در زندگی معمولی اتفاق می‌افتد بلکه از یک نوع خوشبینی تاریخی برخوردار بود، او نه شرقی و نه غربی بود یعنی به حوزه پست‌مدرن تعلق داشت. پست‌مدرن دو قسمت دارد، یکی پست‌مدرن خوشبین و یکی پست‌مدرن بدبین که بیشتر پست‌مدرن‌ها خوشبین هستند. این خوشبینی در پست‌مدرنیسم تحمل‌غیرقابل‌تصور می‌خواهد.



آثار منتشر نشده شایگان

علی دهباشی: از شایگان هنوز چند اثر مهم باقی مانده که منتشر نشده‌است. یکی از اینها رمان «سرزمین سرایا» است که تر از این رمان گفت‌وگوی دو فرهنگ است. این کتاب برنده جایزه مهم ناشران فرانسه شده و به هفت زبان دنیا ترجمه شده‌است. همچنین رمان «نگاه شکسته» که در برگزیده نظرات اخیر ایشان است و اگر مطالعه نشود، نمی‌توان نظر او را از کتاب آسیا برابر غرب تانگون دریافت.



نسبت اسلام و توسعه اقتصادی

همایش «نسبت اسلام و توسعه اقتصادی» از منظر سیدمحمدباقر صدر، محمدحسین بهشتی و مرتضی مطهری، امام موسی صدر و مرحوم موسوی‌اردبیلی، امروز از ساعت ۱۴ تا ۱۹ با حضور علی مطهری، فرشاد مومنی، محمدرضا یوسفی، مجید رضایی، اسلام لویی و کاظم صدر، حسین راغفر، پدا... دادگر و غلامرضا مصباحی‌مقدم در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود.



کتاب‌نامه

تلقی لیبرال‌ها از عدالت

کتاب «لیبرالیسم و مساله عدالت» با گزینش و ویرایش محمد ملاعباسی توسط نشر ترجمان علوم انسانی منتشر شده است. دغدغه عدالت آنقدر همه‌جا و همیشه مطرح بوده که برخی انسان‌شناسان آن را یکی از معدود مسائلی می‌دانند که بعدی ذاتی از انسانیت به حساب می‌آید، اما سرنوشت مساله عدالت در تاریخ طولانی و پر فراز و نشیب لیبرالیسم موضوعی است بسیار مناقشه‌برانگیز که در قرن گذشته، هیچ‌گاه از معرکه آرا بیرون نرفته است. کسی مثل فردریش هایک معتقد است عدالت سرابی گمراه‌کننده است و اندیشمندی مثل جان راولز مهم‌ترین قدم برای بازسازی لیبرالیسم را توجه جدی به عدالت می‌داند؛ با این حال، هردوی آنها به‌عنوان نمایندگان سرشناس لیبرالیسم در دوران ما شناخته می‌شوند. گذشته از این، موشکافی درباره فهم لیبرالیسم از مساله عدالت به دایره نوشته‌های متفکرانی که در مجموع، خود را لیبرال می‌دانند محدود نمی‌شود. جامعه‌گرایان، چپ‌گرایان و دیگر گروه‌ها نیز به نوبه خود درباره این مساله تحقیق کرده‌اند. مجموعه مقالات این کتاب کوشش‌های پاره‌ای از مهم‌ترین مقالات را انتخاب کند که مستقیم یا غیرمستقیم به مساله عدالت در لیبرالیسم پرداخته‌اند و با ترجمه آنها، به روشن شدن زوایایی از آرای متفکران معاصر در این باره کمک کند.

کتاب لیبرالیسم و مساله عدالت دارای مقاله‌های زیر است: ارث آلبا و ایجاد عدالت اجتماعی (فردریش فون هایک، ترجمه علی سلیمیان ربزی)

عدالت توزیعی (رابرت نوزیک، ترجمه احمد بیگلری)
عدالت به مثابه انصاف: برداشتی سیاسی نه متافیزیکی (جان رالز، ترجمه مریم اشجع)

برابری چه؟ (آمارتیا سن، ترجمه علی سلیمیان ربزی)
قابلیت‌ها به عنوان استحقاق‌های بنیادی: سن و عدالت اجتماعی (مارتا نوسبام، ترجمه محمد حقانی‌فضل)

عقل و احساس در عدالت‌اندیشی (سوزان مولر اوکین، ترجمه محمد حقانی‌فضل)

لیبرالیسم و هنر تفکیک (مایکل والسز، ترجمه مریم اشجع)

روابط اجتماعی، استدلال عملی، خیر عمومی و خیر

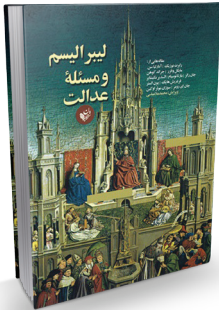
خصوصی (السیدر مکینتایر، ترجمه مریم‌اشجع و محمد ملاعباسی)
عدالت، حقیقت، صلح (یون الستر، ترجمه مریم اشجع)
سرمایه‌داری، آزادی، پرولتاریا (جرالد کوهرن، ترجمه حمید حسینی)
ریشه‌های ایدئولوژیک و سیاسی نابرابری در آمریکا (جان ای رومر، ترجمه علی سلیمیان ربزی)

هایک در اولین فصل این مجموعه عدالت اجتماعی را کلیشه‌ای می‌انهد می‌داند. یک سرب که از نظر فکری مایه رسوایی است و پوچی تمام‌عیار آن را از اختلافاتی که درباره‌اش وجود دارد، می‌شود فهمید. در مقاله دوم با عنوان عدالت توزیعی، محتوای مقاله هنگام تشریح کار کانون توضیح داده شده است. نوزیک فیلسوف سیاسی آمریکایی و نویسنده این مقاله یکی از جدی‌ترین نقدها را به نظریه عدالت رالز در کتاب «آناشسی، دولت و ناکجاآباد» نوشته است.

جان رالز نویسنده مقاله سوم، آن را بازنویسی و توضیحی از ایده اصلی‌اش در کتاب «نظریه‌ای درباره عدالت» نوشته است. آمارتیا سن، نویسنده مقاله چهارم معتقد است هر نظریه‌ای که برای سازماندهی اجتماعی نوعی از برابری رادریش فرض‌های خود دارد. مقاله پنجم نوشته مارتا نوسبام استاد مشهور حقوق و اخلاق در دانشگاه شیکاگو است. نوسبام این مقاله را بر نقدی بر دیدگاه‌های آمارتیا سن درباره عدالت نوشته است.

سوزان مولر اوکین نویسنده ششمین مقاله با عنوان «عقل و احساس در عدالت‌اندیشی» است. مولر استاد دانشگاه استنفورد و از چهره‌های سرشناسی است که به نقد فمینیستی نظریه‌های گوناگون عدالت دست یازیده است. «لیبرالیسم و هنر تفکیک» نوشته مایکل والزر هفتمین مقاله این مجموعه است. والزر یکی از مشهورترین فیلسوفان سیاسی زنده آمریکاست. دیدگاه‌های او عموماً علیه انتزاعی بودن نظریه‌های سیاسی زنده آمریکاست. هفتمین بخش این کتاب ترجمه فصلی از کتاب «حیوانات ناطق به هم وابسته» نوشته السیدر مکینتایر است. مکینتایر در این مقاله تعریف جدیدی از زندگی انسانی و روابط فرد در دوران حیات خود را دیگران ارائه می‌کند. مقاله نهم نوشته یون الستر است. الستر نظریه‌پرداز اجتماعی و سیاسی نروژی است که عمده آثار خود را به تحقیق در نظریه انتخاب عقلانی اختصاص داده است. جرالد کوهرن، نویسنده هفتمین مقاله این کتاب است. کوهرن نیز در راهبردهای نظری، نزدیکی‌هایی با الستر دارد. او نیز تلاش می‌کند با استفاده از دستاوردهای فلسفه تحلیلی از مارکسیسم و سوسیالیسم دفاع کند. آخرین مقاله این کتاب نوشته جان رومر است. رومر اقتصاددان و نظریه‌پرداز سیاسی آمریکایی است که در دانشگاه ییل تدریس می‌کند. وی در کتاب نظریه عمومی استثمار و طبقه، تلاشی تمام‌عیار برای ترکیب مارکسیسم و نظریه بازی‌ها انجام داد.

منبع: مهر



لیبرالیسم و مساله عدالت
گردآوری: محمد ملاعباسی
ناشر: ترجمان علوم انسانی
تعداد صفحات: ۳۶۸

... ریاست مرکز بررسی‌های استراتژیک

مجمع تشخیص مصلحت نظام را برعهده داشت پس از پیروزی در انتخابات ۹۲ کابینه دولت خود را از همکاران خود در مجمع تشکیل داد؛ جمعی که به واسطه تحقیقات هشت ساله در این مرکز چیزی بیش از یک هیأت وزیران یا کابینه دولت می‌دانست و نام «مکتب نیاوران» را برای خود برگزیده بود. محمود سریع‌القلم هم از جمله افراد اثرگذار مکتب نیاوران بود. نه تنها در دوران حضور حسن روحانی در این مرکز بود و با او همکاری داشت (مجموعه مقالات سریع‌القلم در نشریه راهبرد و انتشار کتاب «ایران و جهانی شدن» با مقدمه حسن روحانی ازجمله این همکاری‌هاست) بلکه حتی پس از پیروزی روحانی در سال ۹۲ در کابینه دولت هم پست «مشاور ارشد رئیس‌جمهور در امور بین‌الملل» را تصاحب کرد. در مرداد همان سال ماهنامه مهرنامه هیچ‌کسی را بهتر از او برای تبیین استراتژی اعتدال نیافت و سریع‌القلم با عنوان «مشاور رئیس‌جمهور» روی جلد این مجله قرار گرفت و در تبیین استراتژی اعتدال در ۱۰ بند مقاله نوشت. این شماره از مهرنامه با عنوان «گزارش تحقیقی درباره مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام» در واقع توضیح و تبیین «تیم» و «ایده»‌ای بود که این دولت از آن برخاسته بود. (مهرنامه سال چهارم، شماره ۳۰، مرداد ۹۲)

در همان ابتدای کار تأثیرپذیری دولت یازدهم و شخص حسن روحانی در سیاست‌های کلان و استراتژی‌های اساسی مدیریت کشور از شخص محمود سریع‌القلم به قدری برای مطلعان امر واضح و روشن بود که از محمود سریع‌القلم به‌عنوان «عقل متفصل دولت» یاد می‌کردند.

پرویز امینی در کتاب مختصر «تحلیل نظری دولت یازدهم» که چند ماه پس از روی کار آمدن این دولت منتشر شد، سریع‌القلم را به‌عنوان «چهره‌تئوریک دولت» معرفی می‌کند و می‌نویسد: «به لحاظ تئوریک بیش از همه استاد بحث‌ها به مباحث دکتر محمود سریع‌القلم است که لااقل بنده هیچ اهل علم و دانشگاهی‌ای را سراغ ندارم که به اندازه وی در نگاه فکری و تئوریک روحانی موثر باشد یا لااقل «چهره تئوریک» آن دیدگاه‌ها محسوب شود.

این برداشت بنده به استاد شناخت فضای فکری دکتر سریع‌القلم است که علاوه‌بر مطالعه آثار مکتوب وی، فرصت مستقیم نیز داشتم که در دوره دانشجویی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دیدگاه‌های وی را بشناسم که طی این سال‌ها و با مطالعه بحث‌های اخیر وی در رسانه‌ها می‌بینم که آن چارچوب نظری تغییر نیافته و دکتر سریع‌القلم همچنان در همان فضای نظری قرار دارد. (تحلیل نظری دولت یازدهم، ص ۱۲)

حتی اگر سریع‌القلم حالا که به‌جای شکست خورده است در این مصاحبه درصددنی این ارتباط سازمانی و تشکیلاتی باشد اما قریب فکری و گفتارانی دولت حسن روحانی با افکار او چیزی نیست که بتوان آن را کتمان کرد. (این قریب تنها از مقایسه منطق حاکم بر اظهارات حسن روحانی با مقالات و کتاب‌های سریع‌القلم به خوبی هویدا است که البته پرداختن تفصیلی به آن از حوصله این مقاله خارج است.)

۳. حفظ ایده شکست‌خورده

پس از فاصله‌گذاری میان خود و دولت، دومین استراتژی سریع‌القلم در این گفت‌وگو احیای قلبی ایده «توسعه‌یرون‌زا بر مبنای سیاست خارجی تعامل‌گرا» از طریق «شوک مصنوعی» است. سریع‌القلم در این گفت‌وگو سعی می‌کند شکست برجام را نه حاصل «ساختار بی‌منطق قدرت در نظام روابط بین‌الملل» بلکه نتیجه «ساختار سیاسی ایران» قلمداد کند تا همچنان بتواند ایده «توسعه‌یرون‌زا بر مبنای سیاست خارجی تعامل‌گرا» را به‌عنوان یک راهبرد از گزند «ناکارآمدی» حفظ کند. او برای نیل «غرض» خود حتی ابایی ندارد تا قانون اساسی را نادیده بگیرد و جایگاه رئیس‌جمهور را در حد یک «ایراتور» تقلیل دهد. سریع‌القلم که چندان هم با فلسفه میانه خوبی ندارد اما تلاش می‌کند با توسل به مغالطه Government and state (که تبدیل به مغالطه روز عالم سیاستپس در ایران شده است) مثل یک «سوفیست»، بگوید: «ناکارآمدی» و «شکست» ایده «توسعه‌یرون‌زا بر مبنای سیاست خارجی تعامل‌گرا» را به عواملی غیرواقعی پیوند زند.

اما احتمالاً خود جناب سریع‌القلم هم می‌داند که تلاش‌شان بیهوده و دست و پا زدن بی‌حاصل است. چرا که هنوز نه تنها مطلعان امر، بلکه حتی «افکار عمومی» هم فضای تصویب برجام را به خوبی به خاطر دارند. هرچند در سپهر سیاسی کشور این نوع موارد معدود است، اما برجام ازجمله همین موارد معدودی بود که «اجماع نخبگان فکری و ابزاری» در پروسه پذیرش آن حاصل شده بود. در این رابطه نه تنها دولت، بلکه سایر قوا و حتی مراجع تقلید و بسیاری از گروه‌های سیاسی کشور هم‌رای و هم‌نظر بودند. این «اجماع نخبگانی» را می‌توان در موارد متعددی ازجمله نامه آیت... مکارم‌شیرازی به نمایندگان مبنی بر ضرورت تصویب فوری برجام، تصویب ۲۰ دقیقه‌ای برجام در مجلس، تبریک فرمانده سپاه و فرمانده ستادکل نیروهای مسلح به هنگامه توافق لوزان و پوشش حمایتی حداکثری رسانه ملی به عینه مشاهده کرد.

۴. ذبح استقلال و هویت ملی و دینی در مسلخ توسعه

سریع‌القلم در این گفت‌وگو با اشاره به وجود همزمان سه طرز تفکر «اسلامی»، «سوسیالیستی» و «لیبرال» در کشور، حضور این سه مکتب فکری را به لحاظ «فرهنگی» در جامعه خالی از اشکال نمی‌بیند اما معتقد است که «این سه تفکر با هم قابل جمع نیستند» و «در راهرو قدرت نمی‌توان جهان‌بینی‌های مختلف داشت» و «این ضدتوسعه است». «حکمرانی محل بحث‌های فلسفی نیست و فلسفه متعلق به دانشگاه است و در حکمرانی به جای فلسفه‌ورزی باید نگاه کنیم ببینیم دنیا چه کرده است.» (همان)

او در همین گفت‌وگو به این سوال که دنیا چه کرده است؟ و چه چیز ضدتوسعه نیست و منطق بر آن است؟ پاسخ داده است. آنجا که می‌گوید: «ما باید راهی را برویم که آسیایی‌ها رفتند. راهی که اندونزی، مالزی، هند و مهم‌تر از همه چین انتخاب کرد.» او در بخش دیگری از گفت‌وگو اضافه می‌کند: «چین به معنای دقیق کلمه لیبرالیزه شده است.» بنابراین با در کنار هم قرار دادن مفردات بحث سریع‌القلم به این نتیجه می‌رسیم که از میان سه جهان‌بینی



موجود در کشور، باید دیدگاه لیبرال را اخذ و دو تفکر دیگر را رها کرد. در منظومه فکری تئورسین «توسعه‌یرون‌زا بر مبنای سیاست خارجی تعامل‌گرا»، در واقع با تکرار «کور» یک لیبرالیسم تقلیدی، طرف هستیم. اگر روشنفکران دینی با تمسک به استدلال و مغالطات فلسفی و عقلی در صدد جا انداختن این تفکر در کشور بودند جناب سریع‌القلم بدون اینکه زحمت توجیه و اقناع عمومی را به خود بدهد نسخه مد نظر خود را تحت عنوان «تجربه بشری» قالب می‌کند.

سریع‌القلم هویت فرهنگی ایرانی را یکی دیگر از موانع توسعه قلمداد می‌کند: «یکی از دلایلی که نه تنها در ایران، بلکه کل منطقه خاورمیانه مشکل توسعه‌نیافتگی دارد، این است که در این منطقه، هویت فرهنگی قوی وجود دارد که آمادگی ادغام با فرهنگ جهانی را ندارد.» (عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ص ۲۸۸)

او پیشتر هم در کتابی که با مقدمه حسن روحانی منتشر شده بود باصراحت بیشتری این موضع را تکرار کرده است: «اگر جمهوری اسلامی بخواهد «اسلامی» رفتار کند و اسلام را راهنمای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود قرار دهد، مسلم است که نمی‌تواند با جهانی که بر مبنای سرمایه‌داری، قدرت نظامی صرف و ائتلاف‌های مبتنی بر قدرت است همکاری و مناسبات راهبردی برقرار کند.» (ایران و جهانی شدن ص ۱۲۵-۱۲۴)

استقلال

نه تنها هویت ملی و دینی بلکه حتی استقلال هم در منظومه تئورسین «توسعه‌یرون‌زا بر مبنای سیاست خارجی تعامل‌گرا» قربانی می‌شود. سریع‌القلم «استقلال» به‌عنوان یکی از شعارهای اساسی انقلاب ۵۷ را سد دیگری در راه توسعه می‌داند و معتقد است که «ما در دنیا لفظ، مفهوم و تعبیری به نام استقلال اصلاً نداریم. امروز لغت استقلال کاربرد ندارد.» (عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ص ۲۲۸) و او در ایران ص ۲۲۸ و باز در همان کتابی که با مقدمه حسن روحانی منتشر شده است جمع کردن استقلال، پیشرفت و عدالت را پارادوکسیکال تلقی می‌کند: «جمهوری اسلامی با یک پارادوکس مهم روبه‌روست: از یک



طرف می‌خواهد رشد و پیشرفت کند و از طرف دیگر در پی حفظ استقلال سیاسی و همین‌طور عدالت در بیرون از مرزهای کشور است.» (ایران و جهانی شدن ص ۱۱)

سریع‌القلم حتی تنظیم اولویت‌های سیاسی کشور را از دست کارگزاران کشور سلب ید می‌کند: «جمهوری اسلامی باید با شرکای اقتصادی خارجی خود در تنظیم اولویت‌های سیاسی کشور مشورت کرده و با نظر آنها امور مختلف را نظارت و مدیریت کند.» (ایران و جهانی شدن ص ۱۰۵)

۵. ناراضیاتی عمومی، نتیجه توسعه اقتدارگرا

سریع‌القلم در این مصاحبه مکرراً از «قرارداد اجتماعی» سخن به میان می‌آورد، اما قرارداد اجتماعی بین چه کسانی منعقد می‌شود. او می‌گوید: «ما ایرانیان به قرارداد اجتماعی نرسیده‌ایم. قرارداد اجتماعی یعنی مجموعه نخبگان، روشنفکران و نویسندگان، نزد سریع‌القلم، جامعه به دو بخش نخبه و توده تقسیم می‌شود و نخبگان نیز کسانی هستند که مدل مدنظر او از توسعه را نصب‌العین قرار داده و در تحقق آن بکوشند. دموکراسی نیز فعلاً با شرایط فعلی کشور، به دلیل رسوبات تاریخی استبداد (سریع‌القلم، عقلانیت و توسعه‌یافتگی در ایران، ص ۳۴۴) و حرف‌هایی از این دست، برای ایران پس است و مانع توسعه می‌شود. قبل از دموکراسی باید توده را آموزش داده و نهادسازی کنیم تا بعد از دموکراسی قابلیت تحقق پیدا کند همان، ص ۳۴۷.

به این ترتیب مطالبات عمومی یا رضایت عمومی برای سریع‌القلم اهمیتی ندارد، بلکه مهم «توسعه آمرانه» است؛ چه با رضایت عمومی و چه بدون رضایت عموم. سریع‌القلم، نظر مردم - چنانکه هست - سریع‌القلم نیز همین ناراضیاتی عمومی است که امروز به وضوح قابل مشاهده است. دموکراسی نزد «آرباب توسعه آمرانه برون‌گرا» بعد از آموزش و نهادسازی، تازه ارزش و اهمیت می‌یابد. به نظر امثال سریع‌القلم، نظر مردم - چنانکه هست - نه تنها اهمیت ندارد، بلکه «باید» دستکاری شود. به عبارت صریح، نظر مردم تنها وقتی مهم است که مطابق تشخیص و حکم «آرباب توسعه آمرانه برون‌گرا» باشد. پس ایجاد نارضایتی در اثر پیاده کردن «توسعه آمرانه برون‌گرا»، امری عجیب و غریب و غیرقابل پیش‌بینی نبود و چه خوب بود که این حضرات با عموم، شبعیده نمی‌کردند و قول «نتایج سریع اقتصادی» و «بسامان شدن زودهنگام وضع اقتصادی» را نمی‌دادند. مسلماً آقای رئیس‌جمهور و مشاور سیاست خارجی او (آقای سریع‌القلم) نسبت به این مساله لااقل جاهل نبوده‌اند.